

و طبق حدیث «خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید»، هدف از وجوب روزه، آزمون اخلاص مردم است.

(ب) برعکس، این حدیث نشان‌دهنده برتری نیت (حسن فاعلی) بر عمل (حسن فعلی) است.

(د) این بیت بیانگر اوضاع انسان‌های مخلصی است که شیطان به آن‌ها راه ورودی ندارد.

۲۲۱۱ موارد «ب» و «ج» نادرست و مابقی درست هستند.

بررسی همه موارد

(الف) عبارت «فَأَسْتَعِصِمَ» دقیقاً به موضوع «عصمت و پاکی از گناه» اشاره دارد. (ب) دامی که شیطان گسترده بود، در عبارت «لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِيهِ» بیان شده است.

(ج) با توجه به این عبارت، خروج از زمرة جاهلان، در گرو راز و نیاز و مناجات با خداوند و کمک خواستن از اوست.

(د) این جمله که کاملاً صحیح و واضح است (به تیرهای کتاب درسی خیلی دقت کنید).

۲۲۱۲ از میان موارد داده‌شده، فقط مورد «ج» غلط است.

بررسی موارد دشوار

(ب) موعظه خداوند به انسان در واقع جلوه‌ای از هدایت الهی است، چراکه در صورتی که انسان به آن گوش فرا دهد، هدایت خواهد شد (هم‌چنین دقت کنید که هدایت الهی می‌شود توحید در ربوبیت).

(ج) دوری از موانع رسیدن به هدف، می‌شود دوری از شیطان و نفس اماره، که طبق این آیه راه صحیح زندگی، دقیقاً شناخت این موانع و دوری از آن است.

درس پنجم پایه دوازدهم

۲۲۱۳ کاری که انسان در طول زندگی انجام می‌دهد، از اختیار او سرچشمه می‌گیرد و اختیار وی نیز در طول اراده الهی قرار می‌گیرد. بنابراین این سخن که «کار انسان، هم به اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن صحیحی است. در ضمن اختیاری که به انسان داده شده یک تقدیر الهی است.

۲۲۱۴ اختیار یک سرمایه و ویژگی ذاتی اعطا شده از طرف خداوند به انسان است که بر مبنای آن هر فردی می‌تواند در طول زندگی‌اش کارهایش را با خواست و اراده خود انجام دهد. این ویژگی (اختیار) یک تقدیر الهی به حساب می‌آید که بر اساس آن انسان می‌تواند در محدوده مشخص شده از طرف خداوند (نه در تمامی امور زندگی) از آن استفاده نماید. در ضمن باید به این نکته توجه داشت که قدرت اختیار، تحت اختیار انسان قرار ندارد. بدین معنا که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انتخاب نکند و یا از آن فرار کند. [نادرستی گزینه‌های (ا) و (ب)]

اشتباهات متداول

این‌که کسی بخواهد از قدرت اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند امکان‌پذیر نیست زیرا اختیار یک تقدیر الهی است و نمی‌توان از تقدیر الهی فرار نمود. پس این سخن که اختیار انسان تحت اختیار اوست کاملاً نادرست است.

۲۲۱۵ با توجه به آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» : به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده پس هر کس بیناگشت، به سود خود او و هر کس کوردل

گردد، به زیان خود اوست» می‌توان دریافت که خداوند انسان را صاحب اختیار آفریده تا خود مسیر سعادت یا شقاوت را انتخاب کند. بنابراین می‌توان گفت مشیت الهی (اراده و خواست خداوند) زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.

۲۲۱۶ خداوند متعال تقدیر نموده که انسان صاحب قدرت اختیار باشد تا بتواند کارهای خود را مطابق اختیارش انجام دهد. اما باید توجه شود که اختیار انسان نامحدود نیست و خداوند علاوه بر اختیار انسان تقدیرات دیگری هم در جهان آفرینش دارد. بنابراین می‌توان گفت تقدیرات هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکننده آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها

(۲) اختیار انسان هم با قدر الهی و هم با فضای الهی سازگار است. در واقع نمی‌توان میان قدر الهی و فضای الهی تفاوت قائل شد. به عبارتی دیگر هر چیزی که با قدر الهی سازگار باشد، با فضای الهی هم سازگار است.

(۳) اختیار انسان هم محدودیت دارد و نامحدود نیست. در واقع انسان تنها در چهارچوب قوانین جهان هستی (که تقدیرات دیگر این جهان‌اند) اختیار دارد.

(۴) مشیت الهی زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است و نه مانع آن.

۲۲۱۷ امیر مؤمنان (ع) با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر الهی را نشان داد و به یارانشان آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها

(۴) فرو ریختن دیوار کج یک قضای الهی است که این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار یعنی کجی آن است.

۲۲۱۸ ثمره اطاعت و زیان نافرمانی از رهنمودهای روشن الهی که به دست انسان رسیده، رسیدن سود و زیان به خود انسان است و این موضوع از آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» برداشت می‌شود.

۲۲۱۹ وجود اختیار در انسان، امری مشهود و انکارناپذیر است و آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» به این امر اشاره دارد.

۲۲۲۰ موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، تسلیم قضای الهی هستند. آیه شریفه «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَالَمِينَ» این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند» به دو موضوع ۱) اختیار انسان و ۲) عادل بودن خداوند در ظلم نکردن به بندگان اشاره دارد.

۲۲۲۱ «جوشیدن آب در دمای مشخص»، یکی از ویژگی‌های آن را بیان می‌کند که بنابر تقدیر الهی در آن قرار گرفته است همچنین به طور مشابه، اختیار یک تقدیر الهی برای انسان است. از آنجایی که اراده و اختیار انسان وابسته به اراده الهی است پس اختیار انسان در طول اراده الهی قرار می‌گیرد.

۲۱۲۲) تقدیر، به معنای تعیین ویژگی‌ها و حدود پدیده‌ها است و قضا به معنی انجام‌دادن یک فعل و پیاده سازی تقدیر است.

هر دو عبارت «تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین» و «وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند» به قضای الهی اشاره دارند زیرا هر دوی آن‌ها حاکی از انجام یک فعل و قطعی بودن آن هستند.

۲۱۲۳) مطابق فرمایش امام علی (ع) می‌توان با پناه بردن از یک قضای الهی (فرو ریختن دیوار سست) به قدر الهی، از قضای مذکور گریخت. این موضوع، بیانگر اصل اختیار در وجود انسان است که از آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» مستفاد می‌گردد.

۲۱۲۴) هرگاه درباره «ویژگی»های یک پدیده صحبت می‌کنیم، سخن ما به تقدیر الهی بازمی‌گردد و می‌دانیم، تقدیر الهی، نظام قانونمند حاکم بر جهان هستی است و هیچ پدیده‌ای امکان خروج از این نظام را ندارد.

۲۱۲۵) پیام قابل برداشت از آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»، وجود قوه اختیار انسان‌هاست. به موجب داشتن قوه اختیار، انسان می‌تواند در چارچوب قوانین حاکم بر هستی، میان راه‌ها و موارد مختلف دست به انتخاب بزند.

۲۱۲۶) فروریختن دیوار کج یک قضای الهی است. که متناسب با تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است و حضرت علی (ع) در پاسخ به پرسش یکی از اصحاب خود فرمودند: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

۲۱۲۷) عدم خروج موجودات از قانونمندی خود، بیانگر اصل قدر الهی است. توجه کنید که قدر الهی برخاسته از «علم الهی» و قضای الهی برخاسته از «اراده و خواست الهی» است.

۲۱۲۸) اراده و عمل ما، همه وابسته به اراده خداوند و در طول اراده اوست. ۲۱۲۹) تعیین نقشه جهان، مربوط به تقدیر الهی است که برخاسته از علم الهی می‌باشد. همچنین تحقق این نقشه، بیانگر قضای الهی است که از اراده الهی نشأت می‌گیرد.

۲۱۳۰) اختیار، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. در واقع اختیار انسان امری نیست که برای اثبات وجود آن نیازی به استدلال داشته باشیم.

۲۱۳۱) وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست اوست. خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد. اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است. یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد. بنابراین، اراده انسان مؤخر از اراده خداوند است.

۲۱۳۲) اختیار یک حقیقت وجدانی است، هر انسانی اختیار را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم گرفتن است. از جمله این شواهد مشهود، این است که ما خود را مسئول کارهایمان می‌دانیم. مولانا در این‌باره می‌گوید: «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنه نیایی من دهم بد را سزا».

۲۱۳۳) این‌که بعد از هر عملی احساس خرسندی و رضایت یا پشیمانی و شرمندگی داریم و نیز این‌که پیش از انجام کاری در آن امر، فکر کرده، جوانب آن را سبک و سنگین کرده و تصمیم می‌گیریم، نشانه‌های وجود اختیارند.

۲۱۳۴) اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار یا ترک آن می‌باشد، حقیقتی وجدانی است و هر کسی آن را در خود می‌یابد. حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند و به ناچار آن را می‌پذیرد.

۲۱۳۵) در این آیه عقوبت و جزای کار انسان‌ها همان چیزی معرفی شده که آن‌ها در دنیا برای خود از پیش فرستاده‌اند. بنابراین جزا و پاداش کار هر کسی مطابق افعال اختیاری آن فرد محاسبه می‌شود و خداوند این عقوبت را برای برقراری عدل در نظر می‌گیرد.

۲۱۳۶) وقتی اراده خداوند بر این تعلق گرفته که انسان موجودی صاحب اختیار آفریده شود، مفهوم قضای الهی از آن برداشت می‌شود.

از تأثیرگذاری خداوند در امور طبیعت و خلقت نیز مفهوم قضای الهی برداشت می‌شود، زیرا این تأثیرگذاری خداوند به معنای پیاده‌سازی نقشه و برنامه است.

۲۱۳۷) در آیه شریفه صورت سؤال، خداوند می‌فرماید: «ما راه رستگاری را به او نشان داده‌ایم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس»، این بدین معنی است که فلسفه رسالت پیامبران، نشان دادن راه رستگاری به انسان است و هر شخص با قوه اختیار خود، انتخاب می‌کند که راه هدایت و شکرگزاری را پیش بگیرد یا ضلالت پیشه کرده و کفران ورزد.

۲۱۳۸) هر ۴ گزینه به مفهوم اختیار آدمی اشاره می‌کنند؛ اما مفهوم انتخاب میان دو یا چند چیز در گزینه‌های (۱ و ۳ و ۴) مطرح می‌شود، ولی گزینه (۲) به صورت مستقیم به مفهوم انتخاب اشاره نداشته و در واقع این گزینه به مسئولیت‌پذیری که یکی از شواهد وجود اختیار است اشاره دارد.

۲۱۳۹) سبک و سنگین کردن جوانب یک کار ← تفکر و تصمیم

تردید در انجام امور ← تفکر و تصمیم

نظام پاداش و کیفر ← مسئولیت‌پذیری

۲۱۴۰) هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان وارد کرده‌ایم، جبران می‌کنیم. عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین استوار شده‌اند.

همچنین در طول شبانه‌روز تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را با سبک و سنگین کردن می‌سنجیم. گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چند راه و چند کار، کدام یک را انتخاب کنیم.

۲۱۴۱) روزی امیرمؤمنان علی (ع)، با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشست بود. امام (ع) متوجه کجی و سستی دیوار شد، برای این‌که دیوار روی ایشان و یاران خراب نشود، از آن‌جا برخاست و زیر سایه دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین! آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» و امام در پاسخ فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

۲۱۵۰ ۱ این که در به وجود آمدن یک پدیده، با تأثیرگذاری عوامل مقدم در عوامل مؤخر مواجه باشیم، با علل طولی سر و کار داریم که یکی از نمونه‌های آن، قوه اختیار انسان در بروز افعال اختیاری است که در طول اراده الهی قرار می‌گیرند.

۲۱۵۱ ۳ «همکاری» و «مشارکت» عوامل در به وجود آمدن یک پدیده، بیانگر علل عرضی در پیدایش آن هستند. یکی از مثال‌های چنین رابطه‌ای، رابطه خاک، آب و نور و... با رویش گیاه است. همچنین، می‌دانیم که رابطه اراده انسان با قوانین حاکم بر جهان، رابطه‌ای طولی است.

۲۱۵۲ ۴ ایبات مذکور، برای مردود اعلام کردن تفکری که برای انسان اختیاری قائل نیست، در کتاب درسی آمده است. بنابراین، دو بیت موردنظر، به وجدانی بودن حقیقت اختیار و انکارناپذیر بودن آن اشاره دارند.

۲۱۵۳ ۳ تعیین حدود موجودات (تحدید) مصداقی از قَدَر الهی، حتمیت بخشیدن جلوه‌ای از قضا، اندازه گرفتن نمونه‌ای از قَدَر و پایان دادن بیانگر قضای الهی است.

۲۱۵۴ ۲ بررسی همه‌گزینه‌ها

(۱) هر دوی این آیات، به اصل اختیار انسان و توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری او اشاره دارد.

(۲) دقت کنید که مطابق آیه صورت سؤال، رهنمودهای الهی برای تمام انسان‌ها ارسال شده است و نزول رهنمودهای الهی، ربطی به بهره‌گیری از اختیار یا عدم بهره‌گیری از آن ندارد.

(۳) ارسال رهنمودها برای انسان‌ها و هدایت آنان، از جمله مصادیق توحید در ربوبیت است و سود ایمان یا ضرر کفران آدمی به خود او می‌رسد، نه به خداوند.

(۴) این آیه، از این نظر با بیت گزینه چهارم مرتبط است که هر دو به اختیار انسان و قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب او اشاره دارند.

۲۱۵۵ ۳ این که «وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است»، سخن درستی است و بیانگر مفهوم طولی بودن رابطه اراده و اختیار انسان با اراده خداوند است. از آنجایی که اراده و اختیار انسان، یکی از تقدیرات الهی است، پیام سخن ما، تسلیم بودن در برابر تقدیر الهی است.

۲۱۵۶ ۱ علت وجود مسئولیت‌پذیری و دیگر نشانه‌های اختیار، وجود قوه اختیار است. بنابراین، مسئولیت‌پذیری معلول قوه اختیار است. از طرفی، آیه شریفه صورت سؤال، به قوه اختیار و توانایی تصمیم‌گیری و انتخاب میان دو یا چند چیز اشاره دارد که با بیت «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم» ارتباط مفهومی دارد.

۲۱۵۷ ۴ پیام اصلی این آیه، قوه اختیار انسان و مختار بودن او در پذیرش هدایت الهی و یا نپذیرفتن آن است. بنابراین، گزینه (۴) که به قوه اختیار و توانایی گزینش اشاره دارد، صحیح است.

۲۱۵۸ ۲ هنگامی که از «حکم و فرمان الهی» صحبت می‌کنیم، در حال سخن گفتن از قضای الهی هستیم و هنگامی که از «ویژگی‌ها و محدودیت‌ها و اندازه‌ها» صحبت می‌کنیم، به تقدیر الهی اشاره کرده‌ایم. بنابراین «حکم و فرمان خداوند برای خلقت هر مخلوق» بیانگر قضای الهی و «نوع کارکرد اجزای موجود در بدن انسان» مصداق تقدیر خداوند است.

۲۱۴۲ ۲ بیت مورد اشاره در صورت سؤال، با موضوع «مسئولیت‌پذیری» به عنوان یکی از شواهد وجود اختیار در انسان مرتبط است. عهدها و پیمان‌ها براساس همین حقیقت استوار گشته‌اند. همچنین همان‌طور که می‌دانیم، اختیار یک حقیقت وجدانی است و هرکس آن را درون خود می‌یابد.

۲۱۴۳ بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) این عبارت مربوط به احساس رضایت به عنوان یکی از شواهد وجود اختیار است.

(۳) این عبارت نیز به توانایی تفکر و تصمیم که یکی از شواهد وجود اختیار است اشاره دارد، علاوه بر آن، اختیار حقیقتی وجدانی است و نه عقلی.

(۴) این عبارت به احساس پشیمانی که یکی از شواهد وجود اختیار است، اشاره می‌کند.

۲۱۴۳ ۴ اراده انسان از نفس او سرچشمه می‌گیرد. به همین علت می‌توان گفت اراده انسان در طول نفس او و نشأت گرفته از آن است.

۲۱۴۴ ۱ مطابق مثال کتاب درسی، در عمل نوشتن علل گوناگون به طور طولی با یکدیگر رابطه دارند. بنابراین اراده انسان، حرکت دست و نوشته شدن متن روی کاغذ، از جمله عوامل طولی هستند.

۲۱۴۵ اشتباهات متداول

قدرت تفکر و اختیار دو سرمایه مجزای انسان‌اند و در عرض یکدیگر قرار دارند. هر کدام از ما خود را مسئول کارهای خود می‌دانیم و به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم. این موضوع همان مسئولیت‌پذیری است که از بیت «هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگ عتابی کس کند؟» قابل برداشت است.

همچنین بیت «گر نبودی اختیار این شرم چیست / وین دریغ و خجلت و آزرم چیست» به احساس پشیمانی به عنوان یکی از شواهد اختیار اشاره دارد.

۲۱۴۶ ۴ آن‌جا که یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن‌جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه، همکاری دارند تا یک معلول محقق شود، به ترتیب علل طولی و علل عرضی محقق شده و مثال موافق با آن‌ها به ترتیب نگارش و رویش گل است.

۲۱۴۷ ۳ در علل عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقشی بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است و همین‌طور هر عامل به تنهایی یا با نبود سایر عوامل، نمی‌تواند به نتیجه برسد؛ در عوامل طولی نیز از آن‌جایی که هر عامل معلول عامل قبلی و علت عامل بعدی خود است، اگر یکی از عوامل نباشد، زنجیره علت و معلولی عوامل پاره شده و کار به سرانجام نمی‌رسد.

۲۱۴۸ ۴ از آن‌جایی که وجود قوه اختیار در انسان، یکی از تقدیرات الهی است، هر کاری که از روی اختیار از انسان سر زند، داخل در تقدیر الهی است و اختیار و اراده انسان در طول اراده خداوند قرار می‌گیرد.

۲۱۴۹ ۲ باید توجه داشت که اختیار امری روشن و واضح است و نیازی به استدلال ندارد؛ اما آدمی شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابد که عبارتند از: ۱ تفکر و تصمیم، ۲ احساس رضایت یا پشیمانی و ۳ مسئولیت‌پذیری.

و هر اتفاقی را غیر قابل اجتناب و کاملاً جبری بدانیم و برای قدرت اختیار ارزشی قائل نباشیم؛ رفتار و گفتار امیرالمؤمنین (ع) در راستای آموزش دادن مفاهیم قَدَر و قضای الهی به یاران خود بود که در دسته مسئولیت‌های مربوط به مرجعیت دینی قرار می‌گیرد.

۲۱۶۷ ۳ آیات شریفه مطرح شده در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، همگی به این موضوع اشاره دارند که آدمی با اختیار خود سرنوشتش را برمی‌گزیند و عواقب آن به عهده خود اوست و در واقع خداوند با بیان این آیات حجت را بر آدمی تمام می‌کند، اما در آیه گزینۀ (۳)، موضوع مسئولیت در قبال سرنوشت آدمی مطرح نشده است و خداوند به یادآوری عهد فطری آدمی می‌پردازد.

۲۱۶۸ ۲ موارد «ب» و «د» نادرست و موارد «الف» و «ج» صحیح هستند.

بررسی موارد نادرست

(ب) این‌که گفته می‌شود اختیار، حقیقتی وجدانی است به این معناست که هر انسانی آن را در درون خود می‌یابد و می‌بیند.

(د) برداشت ناهجای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم؛ اما امیرالمؤمنین علی (ع) با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قضا و قدر را نشان داد.

۲۱۶۹ ۱ فقط مورد «الف» در این سؤال صحیح بیان شده است:

بررسی موارد نادرست

(ب) این جمله به‌طور کل نادرست است. تقدیر چیزی فراتر از قانونمندی جهان هستی نیست. به عبارت دیگر تقدیر همان اندازه، ویژگی و کیفیتی است که توسط خداوند در خلقت هر چیزی قرار گرفته است.

(ج) این جمله که «بروز قدرت اختیار و امکان انتخاب، حرکت و فعالیت، فقط با زندگی در یک جهان قانونمند میسر می‌شود» سخنی کاملاً درست است، بنابراین مورد «ج» غلط می‌شود.

(د) عبارت آخر یعنی «در این دسته روابط هر عامل به صورت مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است»، غلط است چرا که دارد تعریف رابطه عرضی را ارائه می‌دهد اما ما با رابطه طولی کار داریم.

۲۱۷۰ ۴ همه موارد این سؤال صحیح است.

بررسی موارد دشوار

(الف) عبارت «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ [این عقوبت به خاطر کردار پیشین شماست]» دقیقاً به مسئولیت‌پذیری اشاره دارد.

(ب) در این آیه شریفه، خداوند عقوبت عمل گناهکاران را به اندازه عمل بدشان معرفی می‌کند و می‌فرماید این عقوبت دقیقاً همان چیزی است که گناهکاران با اختیار خودشان از پیش فرستاده‌اند و همین موضوع بیانگر عدل الهی در برخورد با گناهکاران است.

(ج) هر جامعه‌ای با اختیار خود می‌تواند زمینه‌ساز نزول نعمت‌های الهی یا مانع آن شود. در این آیه شریفه نیز به رابطه میان اعمال اختیاری مردم و نعمت‌های الهی اشاره شده است.

۲۱۵۹ ۱ فرو ریختن دیوار کج، یک قضای الهی است که به دنبال تقدیر آن یعنی کج بودنش، به انجام رسیده و امام علی (ع) در پاسخ به این سؤال اصحاب که آیا از قضای الهی می‌گریزند، فرمودند: «از قضای الهی به قَدَر الهی پناه می‌برم».

۲۱۶۰ ۱ دیوار کج و دیوار مستحکم، دو تقدیر کاملاً متفاوت دارند و بنابراین قضای متناسب با آن دو نیز، به صورت مجزا به وقوع می‌پیوندد. پس باید توجه داشت که تقدیرات متفاوت، قضای متفاوت در پی دارند.

۲۱۶۱ ۳ عهدها و پیمان‌ها براساس مسئولیت‌پذیری انسان‌ها (از شواهد وجود اختیار) استوار شده‌اند؛ بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند؛ مولانا در این باره می‌گوید: «هیچ عاقل مر کلوخی را زند / هیچ با سنگی عتابی کس کند».

گاه نیز در عملی دچار اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم، در این هنگام احساس پشیمانی (از شواهد وجود اختیار) می‌کنیم و با خود می‌گوییم کاش آن کار را انجام نداده بودم؛ مولانا در این مورد نیز می‌گوید: «آن پشیمانی که خوردی زان بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتدی».

۲۱۶۲ ۴ اختیار ما علی‌رغم محدودیتی که دارد، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ما است؛ همان‌طور که آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» می‌گوید، انسان با اختیار خود می‌تواند راه هدایت و شکران یا ضلالت و کفران را انتخاب کرده و سرنوشتش به دست خودش است.

۲۱۶۳ ۴ نانا، آرد و آب به صورت مجموعه با همکاری هم نان را پدید می‌آورند، پس رابطه آن‌ها عرضی است. آرد به علت اراده آسیابان پدید می‌آید پس رابطه بین آن‌ها طولی بوده و رابطه آب، خاک و نور در رشد درخت عرضی است.

۲۱۶۴ ۲ آیه شریفه «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد می‌گوید: پروردگارا مرا بازگردان، باشد که عمل صالح انجام دهم.» که نشان از پشیمانی افراد گناهکار از اعمال خود دارد، بیانگر «احساس رضایت یا پشیمانی» به عنوان یکی از نشانه‌های وجود اختیار در انسان است. همچنین آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» ما راه [رستگاری] را به او نشان دادیم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس» به تصمیم و انتخاب بین راه سعادت یا گمراهی اشاره دارد و مصداق «تفکر و تصمیم» است.

۲۱۶۵ ۳ این آیه در ادامه به معرفی علت نهی پیروی از شیطان می‌پردازد و می‌گوید: «إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» یعنی علت این نهی، دشمنی آشکار شیطان با انسان‌ها است.

از شواهد وجود اختیار، مسئولیت‌پذیری است که عهد و پیمان‌ها بر همین اساس استوار شده‌اند، خداوند نیز در این آیه عهدی فطری را به انسان یادآور می‌شود و او را به خاطر عهدشکنی، مورد بازخواست قرار می‌دهد. پس این آیه به مسئولیت‌پذیری، از شواهد وجود اختیار اشاره دارد.

۲۱۶۶ ۱ بدفهمی در درک مفهوم نظام قضا و قدر الهی باعث می‌شود تا فکر کنیم که حرکت و تغییر و تصمیم‌گیری بر اساس دستور عقل بی‌فایده است

نیازمندی مخلوقات به خالق در مرحله پیدایش و بقا — توحید در خالقیت

نگه داشتن زمین از زوال و نابودی — توحید در ربوبیت

موارد «ب» و «د» نادرست است.

بررسی موارد دشوار

ب) این مطلب نمونه‌ای از پناه بردن از قضای الهی (عاقبت دیوار کج که فرو ریختن است) به تقدیر الهی (کج بودن یک دیوار) می‌باشد.

ج) تقدیر یعنی اندازه‌گیری که نمونه‌ها و مثال‌های آن عبارتست از: تعیین تعداد الکترون‌های هر عنصر و ...

د) در نظر گرفتن حالت مشارکتی برای دو عامل اراده الهی و اختیار انسان در بروز افعال انسان، بدین معناست که دو عامل اراده الهی و اختیار انسان در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند؛ در صورتی که می‌دانیم اختیار انسان در طول اراده الهی است.

درس ششم پایه دوازدهم

۲۱۷۲ امام علی (ع) در تبیین سنت املاء و استدراج می‌فرماید: «... و

خداوند هیچ‌کس را همانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است». بنابراین امتحان و آزمایش شدن به وسیله مهلت و فرصت اعطا شده از طرف خداوند نتیجه فرارگیری زندگی انسان در دایره سنت املاء و استدراج است.

۲۱۷۳ سنت ابتلا عام‌ترین و فراگیرترین قانون خداوند است که ثابت و

همیشگی است و هویت و شخصیت انسان‌ها با این ابتلائات ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد. آیه شریفه‌ای که به این سنت الهی اشاره دارد «تَبْلُوكُمْ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» است.

۲۱۷۴ کسانی که راه باطل را در پیش گرفته و در راه در پیش گرفته

خشنود و خرسند هستند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند در سنت املاء و استدراج الهی گرفتار شده‌اند که سنتی خاص و ویژه گمراهان و کافران است. آیه شریفه «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَتَسِدِّرْجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَغْلَمُونَ وَ أُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» به حاکم شدن سنت املاء و استدراج بر زندگی این افراد اشاره دارد.

۲۱۷۵ ثمره ایمان و تقوا برای مردم باز شدن درهای برکت آسمان و زمین

است و در صورتی که مردم تکذیب کنند به کیفر آنچه مرتکب شدند، گرفتار می‌شوند. این موضوع در آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» به روشنی بیان شده است.

۲۱۷۶ عبارت شریفه «مَنْ يَعِيشْ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ»

به سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد. برطبق این سخن امام صادق (ع) کسانی که به واسطه احسان و نیکوکاری عمر طولانی دارند از

کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشتر هستند.

آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» نیز به سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد و باز شدن درهای برکت آسمان و زمین را نتیجه ایمان و تقوای مردم بیان می‌کند.

۲۱۷۷ با توجه به آیه شریفه «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَتَسِدِّرْجُهُمْ مِنْ

حَيْثُ لَا يَغْلَمُونَ» حرکت گمراهان به سمت فساد و تباهی و حرکت به سوی عذاب الهی به صورت تدریجی و گام‌به‌گام رخ می‌دهد.

۲۱۷۸ سنت املاء و استدراج الهی، سنتی خاص است که تنها بر زندگی

گناهکاران جاری می‌شود و آیه شریفه «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَتَسِدِّرْجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَغْلَمُونَ وَ أُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» به این سنت اشاره دارد.

۲۱۷۹ سنت امتحان و ابتلاء الهی، موجب جدا شدن انسان‌های خوب

از بد و ساخته شدن و تکامل انسان‌های خوب یا خسران و عقب‌ماندگی انسان‌های بد می‌گردد. آیه شریفه «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» به این سنت اشاره دارد.

۲۱۸۰ مطابق سنت «املاء و استدراج»، به آنان که راه باطل را برمی‌گزینند

و با حق دشمنی می‌ورزند، مهلت زندگی داده می‌شود، ولی آنان این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در تاریکی قرار می‌دهند.

۲۱۸۱ مطابق سنت «امداد الهی» که مفهوم قابل برداشت از آیه صورت

سؤال است، خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر دو گروه (نیکوکار و بدکار) را فراهم کرده است. یعنی: «کسی که راه حق را برمی‌گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به حق را می‌یابد و مراتب کمال را می‌پیماید

و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می‌کند همان را به دست می‌آورد». امداد عام الهی ناشی از لطف الهی است «نُؤدُّ... مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» این سنت، هم نیکوکاران و هم بدکاران را شامل می‌شود و سنتی عام است.

۲۱۸۲ شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها (سنت‌های الهی) سبب

۱ نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها، ۲ ممتاز ساختن دیدگاه ما نسبت به وقایع و حوادث جهان و ۳ تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان و خداوند می‌شود.

۲۱۸۳ مطابق سنت امداد الهی، رحمت و اسعه الهی، به همه انسان‌ها،

صرف‌نظر از بدکار یا نیکوکار بودن آن‌ها می‌رسد. این موضوع پیام آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» است.

۲۱۸۴ در سنت امداد الهی می‌خوانیم: «روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی

به برخی انسان‌های گناهکار، نشانه لطف خداوند به آنان نیست». قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان

در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده‌اند بر باد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند باطل است.»

بنابراین، روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار، نشانه محرومیت آنان از نعمت‌های بی‌پایان الهی است.

۲۱۹۵ ۳ آیه شریفه صورت سؤال، مربوط به سنت عام امداد الهی است که هم شامل حال نیکوکاران می‌گردد و هم شامل حال بدکاران. مطابق این سنت، روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار، نشانه مورد لطف خدا قرار گرفتن آنان نیست.

اشتیاهات مداول

عبارت «هر کس با اراده و اختیار خود، راه باطل را برگزیند خداوند شرایطی برای او فراهم می‌کند که در مسیری که پیش گرفته به پیش رود» که در گزینه‌های (۱ و ۲) مطرح شده نیز می‌تواند بیانگر سنت مورد اشاره در آیه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» باشد و تنها از قسمت دوم گزینه‌ها می‌توان به جواب سؤال رسید.

۲۱۹۶ ۲ این‌که هرکس، با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم می‌شود تا در مسیری که در پیش گرفته، به پیش برود و سرشت خود را آشکار کند، مربوط به سنت امداد عام الهی است و با آیه شریفه گزینه دوم ارتباط دارد.

۲۱۹۷ ۱ واژه توفیق به معنای آسان نمودن است و سنت توفیق الهی آن‌گونه است که همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد. پیام برداشت شده از آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنْ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» حاکی از سنت توفیق الهی است که رسیدن برکت را ثمره ایمان و تقوا می‌داند.

۲۱۹۸ ۴ این‌که انسان با ادعای ایمان، وارد امتحانات خاص الهی شود، مربوط به سنت ابتلاء الهی است و با آیه شریفه «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَتَزَكَّوْا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» مرتبط است.

۲۱۹۹ ۱ هر دو آیه شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» و «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ» به سنت توفیق الهی اشاره دارند.

اشتیاهات مداول

شاید در نگاه اول به آیه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ» به دنبال گزینه‌ای بودید که به سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد. اما این آیه به سنت توفیق الهی نیز اشاره دارد؛ زیرا خداوند در این آیه گشودن درهای برکت را معلول و ثمره ایمان و تقوا می‌داند.

۲۲۰۰ ۴ سنت ابتلاء عام‌ترین و فراگیرترین قانون خداوند است که ثابت و همیشگی بوده و شامل همه انسان‌ها در همه دوران‌ها می‌شود. این سنت الهی که توسط خداوند علیم بر زندگی افراد جاری شده برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است.

۲۲۰۱ ۴ براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و قرآن کریم از این قوانین با عنوان سنت الهی یاد کرده است.

۲۱۸۵ ۴ روایت موردنظر در صورت سؤال، بر سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد که مفهوم قابل‌برداشت از آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» است.

۲۱۸۶ ۴ مطابق آیه شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» وعده قطعی خداوند به کسانی که در راه او نهایت تلاش خود را به کار بندند، «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» است و او همواره همراه «الْمُحْسِنِينَ» است.

۲۱۸۷ ۲ کمک‌های الهی و ایجاد شرایطی که فرد بتواند در راهی که انتخاب کرده، به پیش رود بیانگر سنت امداد عام الهی است که پیام قابل برداشت از آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» است.

۲۱۸۸ ۱ مهلت دادن و افزودن بر امکانات گمراهان ← سنت املاء و استدرج جدا شدن انسان‌های خوب و بد ← سنت ابتلاء

۲۱۸۹ ۴ مطابق آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»، ایمان و گرایش مردم به تقوا، موجب گشایش بَرَكَاتِ الهی از آسمان و زمین می‌شود.

۲۱۹۰ ۲ امداد خاص خداوند برای کسانی که با نیت پاک، قدم در راه حق گذاشته و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف قرار می‌دهند، بیانگر سنت توفیق الهی است و آیه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، همانا بر ایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین» به این سنت الهی اشاره دارد.

۲۱۹۱ ۳ آیه شریفه صورت سؤال، به سنت امداد خاص الهی یا به عبارت دیگر، توفیق الهی اشاره می‌کند که بنابر آن، در صورتی‌که فرد در راه خداوند تلاش کند، نصرت و هدایت الهی شامل حال او می‌گردد.

«وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» (علت) ← «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (معلول)

۲۱۹۲ ۱ آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» کمک می‌کنیم هم به اینان [نیکوکاران] و هم به آنان [بدکاران] از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت [از کسی] منع شده نیست» به سنت امداد الهی اشاره دارد که بنابر آن، خداوند برای کسانی که با اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزینند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌هایشان را فراهم می‌کند.

۲۱۹۳ ۳ از آنجایی که عبارت صورت سؤال، به فراهم کردن امکانات و لوازم دستیابی به خواسته‌ها برای دو گروه ابرار (نیکوکاران) و اشرار (گناهکاران) اشاره کرده است، سنت موردنظر، یک سنت عام است. می‌دانیم که توفیق الهی یک سنت خاص و مربوط به نیکوکاران است؛ پس پاسخ سؤال، امداد الهی است که با آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» مرتبط است.

۲۱۹۴ ۱ در حدیث مورد اشاره در صورت سؤال، به موضوع «سنگین‌تر شدن امتحان افراد مؤمن با افزایش درجه ایمان آن‌ها» تأکید گشته است.

هر کس ادعای ایمان کند، مورد آزمایش‌های ویژه و امتحانات خاص قرار می‌گیرد. آیه شریفه «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَتَزَكَّوْا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» نیز بر امتحان ویژه افرادی که ادعای ایمان می‌کنند اشاره دارد.

۲۲۱۱ ۳ مطابق متن کتاب درسی داریم: «قانون‌مندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به‌کارگیری اراده و اختیار اوست.» این قوانین، به پدیده‌های طبیعی اختصاص ندارد و در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها نیز برقرار است.

۲۲۱۲ ۴ شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها موجب:

۱ نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها و سایر حوادث زندگی می‌شود. (گزینه ۳)

۲ دیدگاه ما را نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می‌سازد. (گزینه ۱)

۳ این شناخت در روابط ما با خدا، با خود، با خلقت و با دیگران تأثیر به‌سزایی دارد. (گزینه ۲)

بنابراین گزینه (۴) صحیح است.

۲۲۱۳ ۱ اگر بگوییم: «خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌ها را فراهم می‌کند.» و اگر بگوییم: «بر امکانات گمراهان می‌افزاید»، به ترتیب به سنت امداد و استدراج او اشاره کرده‌ایم که دومین آن همراه با مهلت دادن است.

۲۲۱۴ ۲ مطابق با آیه ۱۶۰ سوره انعام «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ...» خداوند با بندگان براساس عدل خود رفتار می‌کند و به آنان ستم نمی‌شود «وَهُمْ لَا يظَلْمُونَ»؛ چرا که این افراد تنها به اندازه عمل بدشان مجازات می‌شوند «فَلَا يَجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا»

همچنین در مورد عبارت دوم داریم: «مَا كَانَ عَطَاءٌ رَبِّكَ مَحْظُورًا؛ و عطای پروردگارت از کسی منع شده نیست» که این موضوع، علت فراگیر بودن امداد الهی را بیان می‌کند.

۲۲۱۵ ۱ آیه «كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا»؛ لطف خداوند را علت امدادسانی به همه بندگان معرفی می‌کند و این لطف را همیشگی و منع‌نشده می‌داند.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲) لطفی که در این گزینه مطرح شده، لطف هدایت است که به صورت مشروط مطرح شده است. در واقع رسیدن به راه‌های هدایت مشروط به تلاش و مجاهدت فرد است.

۳) در این آیه دریافت برکاتی از آسمان‌ها و زمین مشروط به داشتن ایمان و تقوا است.

۴) در این آیه رسیدن به پاداش نیک مشروط به انجام نیکی‌ها توسط خود فرد است. ۲۲۱۶ ۳ سخن امام صادق (ع) به سنت ابتلاء الهی اشاره دارد. مطابق این سنت، همه انسان‌ها در همه دوران‌ها آزمایش می‌شوند و اگر کسی وارد وادی ایمان شود، بر سختی امتحانات او افزوده می‌شود. آیه شریفه «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» بر این موضوع تأکید می‌ورزد.

۲۲۱۷ ۲ امداد خاص خدای متعال برای آنان که با نیت پاک قدم در راه حق می‌گذارند، توفیق‌ناپذیر می‌شود. یکی از نمودهای این امداد، نصرت و هدایت الهی است که از آیه شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» قابل برداشت است.

۲۲۰۲ ۲ اگر انسان ادعای ایمان و بندگی کند، وارد امتحان‌ها و آزمایش‌های خاص الهی می‌شود «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ». آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»، شرط باز شدن درهای برکت آسمان و زمین را، ایمان و تقوای مردم معرفی می‌کند. ۲۲۰۳ ۳ سنت الهی «املاء و استدراج» به معنای «مهلت دادن و حرکت تدریجی به سوی عذاب الهی» است. مطابق این سنت، خداوند به گناهکاران فرصت زندگی و جبران اشتباهات می‌دهد، اما آن‌ها، این فرصت را، وسیله غوطه‌ور شدن بیشتر در تاریکی‌ها قرار می‌دهند.

۲۲۰۴ ۳ رشد و کمال انسان و یا عقب‌ماندگی و خسران او، در سنت ابتلاء که آیه شریفه «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» به آن اشاره دارد، مطرح می‌شود. ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی، از جلوه‌های توفیق الهی است و آیه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» به آن اشاره دارد.

۲۲۰۵ ۲ امام صادق (ع) انسان مؤمن را از آن جهت که با افزایش درجه ایمان او، امتحانات او سخت‌تر می‌شود به کفه ترازو تشبیه کرده است. این موضوع مربوط به سنت ابتلاء الهی است که از آیه شریفه «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» برداشت می‌شود.

۲۲۰۶ ۳ آیه شریفه «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ أَمَلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» در قسمت اول به این موضوع اشاره دارد که گرفتار شدن گناهکاران به استدراج از راهی صورت می‌پذیرد که آن‌ها متوجه‌اش نمی‌شوند و به قول معروف چوب خدا صدا ندارد «مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ»؛ همچنین عبارت شریفه «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ عَذَابَهُ» به سنت سبقت رحمت بر غضب خداوند اشاره دارد و پیامی برای آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...» است.

۲۲۰۷ ۲ آیه شریفه به کار رفته در صورت سؤال، ترجمه آیات ۱۵ و ۱۶ سوره هود است که بیانگر سنت امداد الهی در رابطه با گناهکاران است. از جمله ثمرات این سنت، آن است که فرد در همان مسیری که انتخاب کرده به پیش می‌رود.

۲۲۰۸ ۲ آیه شریفه مورد اشاره در صورت سؤال، به سنت ابتلاء الهی اشاره دارد. این سنت (ابتلاء) برای تمام انسان‌ها و همه دوران‌ها است.

۲۲۰۹ ۲ توفیق در لغت به معنای آسان کردن و در مفهوم دینی نیز به معنای آسان کردن مسیر رسیدن به مقصود برای انسان مؤمن و تلاشگر است. خداوند سنت امداد الهی را بر این قرار داده که هر کس چه در راه حق و چه در راه باطل، بتواند از امکانات الهی استفاده کرده، در مسیر خود به پیش رود.

۲۲۱۰ ۲ توجه کنید که امتحان خداوند علیم برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای رشد دادن و بروز و ظهور استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است و فرد در آن درستی یا نادرستی آن‌چه را که ادعا کرده مشخص می‌سازد.

۲۲۲۸ ۳ «إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» ← املاء و استدراج [درستی هر ۴ گزینه]

«وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ» ← سبقت رحمت بر غضب

«فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» ← تأثیر بدی در زندگی انسان

۲۲۲۹ ۲ حرکت تدریجی به سوی عذاب الهی از دقت در آیه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» مستفاد می‌گردد که بیانگر سنت املاء و استدراج است. همچنین اگر بگوییم: برطرف کردن اندوه و غصه دیگران زندگی را بهبود می‌بخشد، به سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره کرده‌ایم.

۲۲۳۰ ۴ امام علی (ع) می‌فرماید: «چه بسا احسان پیاپی خدا، کسی را گرفتار کند و پرده‌پوشی خدا او را مغرور سازد و با ستایش مردم فریب خورد و خدا هیچ‌کس را مانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است.» مطابق این حدیث، از بزرگ‌ترین امتحان‌های الهی استفاده از مهلت‌هاست و اگر کسی از این آزمایش سربلند بیرون نیاید، به سنت املاء و استدراجی که قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ أُمَلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ»، گرفتار می‌شود. هم‌چنین امام صادق (ع) در این سخن خود که «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ كَلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ»، ملاک سخت شدن امتحانات الهی را زیاد شدن ایمان معرفی می‌کند.

۲۲۳۱ ۱ سنت توفیق (امداد خاص الهی) در اصطلاح دینی و فرهنگ قرآن کریم، به معنای آسان کردن و تسهیل طی طریق برای افرادی که در راه خدا مجاهده می‌کنند است که آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، همانا (درهای) برکت را از آسمان و زمین بر آن‌ها می‌گشودیم» نیز به توفیق الهی اشاره دارد.

۲۲۳۲ ۲ می‌دانیم که امتحانات الهی، مانند امتحانات بشری، برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای رشد دادن و بروز و ظهور استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است. این‌که خداوند افراد را می‌آزماید تا تمایلات درونی آن‌ها مانند ادعای داشتن ایمان حقیقی را بسنجد، از تفکر در پیام آیه «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» آیا مردم گمان کرده‌اند که رها می‌شوند، همین‌که بگویند ایمان آوردیم و امتحان نمی‌شوند؟» به دست می‌آید.

۲۲۳۳ ۲ امتحانات عام الهی که تمام انسان‌ها را درگیر می‌کند، در آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً» و امداد خاص الهی (توفیق) در آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»، مطرح می‌شوند.

اشتیاهات مداول

آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» به امتحان شدن همگان توسط خدا (امتحان عام الهی) اشاره دارد و آیه «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» به امتحان شدن مدعیان ایمان توسط خدا (امتحان خاص الهی) اشاره دارد.

۲۲۱۸ ۱ مطابق حدیث امام صادق (ع) که در صورت سؤال آمده و آیه «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ»، ادعای ایمان، ورود به امتحان خاص الهی را به دنبال دارد.

۲۲۱۹ ۳ در کسب توفیق الهی (امداد خاص)، عامل درونی نقش تعیین‌کننده دارد. این‌که «راه بازگشت گناهکار همواره باز است»، مرتبط با سنت سبقت رحمت بر غضب است که این سنت، سنتی عام است.

۲۲۲۰ ۴ فراهم‌سازی شرایط و اسباب از جانب خداوند برای حرکت آسان‌تر انسان حق‌جو به سوی مقصد، در نتیجه سنت توفیق الهی، بوده که از جلوه‌های آن نصرت و هدایت الهی می‌باشد و در آیه شریفه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» به آن اشاره شده است.

۲۲۲۱ ۴ کسانی که مشمول سنت املاء و استدراج قرار می‌گیرند، افرادی هستند که در مسیر گناه و باطل پیش می‌روند و از کار خود راضی و خرسند هستند و همچنین با حق لجاجت و دشمنی می‌ورزند.

خداوند به این افراد فرصت و امکاناتی می‌دهد تا در گناهان غوطه‌ور شوند و روزبه‌روز بار گناهان آنان سنگین‌تر شود.

۲۲۲۲ ۱ گرفتاری تدریجی به هلاکت ابدی، موضوع سنت املاء و استدراج است و با آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» مطابقت دارد.

مطابق با سنت ابتلاء، هر شخصی که ادعای ایمان کند، مشمول سنت ابتلاء می‌شود. رحمت و واسعة الهی، سنت امداد عام الهی را رقم می‌زند که با آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوَ لَا وَ هُوَ لَا مِنْ عَطَاءٍ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءٌ رَبِّكَ مَحْظُورًا» مرتبط است.

۲۲۲۴ ۳ عام‌ترین سنت خداوند، سنت ابتلاء و سنت منتهی به هلاکت ابدی، سنت املاء و استدراج است. بنابراین، آیات شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ» و «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ» به ترتیب پاسخ سؤال هستند.

۲۲۲۵ ۳ اگر کسی با نیت پاک در مسیر حق سعی و تلاش و حرکت کند، از امداد خاص (توفیق) الهی بهره‌مند می‌شود. همچنین اگر کسی اعلام ایمان به خداوند کند، در معرض امتحانات خاص و دشوارتر الهی قرار می‌گیرد که با سنت ابتلاء مرتبط است.

۲۲۲۶ ۲ آیه شریفه صورت سؤال که ترجمه آن به صورت «اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، همانا برایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به کیفر آن‌چه به دست آوردند.» است، به دو سنت الهی تأثیر اعمال انسان در زندگی او و توفیق الهی اشاره دارد.

۲۲۲۷ ۳ حدیث مطرح‌شده در صورت سؤال، بیانگر مفهوم «تأثیر بدی در زندگی» است که با آیه شریفه «وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» ارتباط معنایی دارد.